

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

111799



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی
پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

موضوع:

روش شناسی شارحان حکمت متعالیه
با تأکید بر روش شناسی فلسفی امام خمینی و علامه طباطبایی

استاد راهنما:

حجه الاسلام والمسلمین دکتر عباس ایزدپناه

کتابخانه اطلاعیات مدرک علمی بزرگ
قمینا مدرک

استاد مشاور:

حجه الاسلام والمسلمین دکتر احمد عابدی

۱۳۸۸ / ۲ / ۱۴

نگارنده:

رضا لکزایی

بهار ۱۳۸۷

۱۱۱۷۶۹



صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

با تاییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جلسه دفاعیه پایان نامه

آقای: لک زانی رضا

به شماره دانشجویی: ۸۵۱۳۲۰۰۹۰۲

رشته: فلسفه و کلام اسلامی

تحت عنوان: روش شناسی فلسفی شارحان حکمت متعالیه با تاکید بر روش فلسفی علامه طباطبائی و امام خمینی

با حضور هیات داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ ۸۷/۰۷/۱۵ تشکیل گردید.

در این جلسه پایان نامه مذکور با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد ۱۷/۷۵

نمره به حروف هفده و هفتاد و پنج را با درجه بسیار خوب دریافت نمود.

	مربی	استاد راهنما	ایزدپناه عباس
	استادیار	استاد مشاور	عابدی ارانی احمد
	استادیار	استاد ناظر	الهیداشتی علی
	دانشیار	استاد ناظر	جوادی محسن
	استادیار	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی	دیرباز عسگر

تصویر امور آموزش و تحصیلات تکمیلی
نام و امضاء

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده
نام و امضاء

نشانی:
به جاده قدیم اصفهان
دانشگاه قم
پستی: ۳۷۱۶۱۲۶۶۱۱
تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱
دورنویس:
۲۸۵۵۶۸۲ آموزش
۲۸۵۵۶۸۶ تباری
۲۸۵۵۶۸۸ دانشجویی

تقديم به:

پدار و مادوم

تقدیر و سپاس

بی‌تردید بدون الطاف بی‌پایان الهی این پایان‌نامه پا نمی‌گرفت و پایان نمی‌یافت. بر خود لازم می‌دانم، منتهای تشکر و قدرشناسی خود را تقدیم قلب‌های مهربان همهٔ معلمان، دبیران و اساتیدم کنم، و از خداوند هم برای همهٔ آنها، تمامی خوبی‌های دنیوی و اخروی را تمنا کنم؛ به ویژه از اساتید گرانقدرم، دکتر عباس ایزدپناه، دکتر احمد غابدی، دکتر محسن جوادی، دکتر علی‌الهداشتی، دکتر محمد ذبیحی، دکتر دیرباز، دکتر محمد پزشکی، دکتر احمدرضا یزدانی مقدم و دکتر محمد محمدزاده ممنون و سپاس‌گزارم که بدون راهنمایی‌ها مشفقانهٔ آنها این نوشته به انجام نمی‌رسید.

از برادران فرهیخته و ارجمندم دکتر نجف لک‌زایی و دکتر شریف لک‌زایی نیز ممنون و سپاس‌گزارم. اگر از همسرم که همواره در تحصیل و تحقیق، یاری‌گر و مشوق من است تشکر نکنم، شکر نعمت را به جا نیاورده‌ام، از ایشان هم ممنون و سپاس‌گزارم.

چکیده

تحقیقات روش‌شناسی، تحقیقاتی بنیادین است که می‌تواند به جنبش تولید علم در کشور ما مدد برساند. با توجه به این مهم، که مبانی فکری هر جامعه بر اصولی فلسفی استوار است، شناخت و درک این دانش و واکاوی نظریات اندیشمندان این عرصه لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

در رساله حاضر پس از مقدمه در فصل اول به مفاهیم و کلیات، در فصل دوم به تبیین شناخت‌شناسی و روش‌شناسی فلسفی امام خمینی، در فصل سوم به تبیین شناخت‌شناسی و روش‌شناسی فلسفی علامه طباطبایی و در فصل چهارم به تمایزات روشی این دو اندیشمند نوصدرایی پرداخته شده است.

به نظر می‌رسد روش فلسفی امام، مبتنی بر برداشت انسان‌شناسانه ایشان از عقل می‌باشد و بر اساس آن ایشان سه روش عرفانی، برهانی و نقلی را به رسمیت می‌شناسند. البته وی از این سه روش به صورت مکمل یکدیگر استفاده می‌کنند، به این ترتیب که نقل را برتر از عقل و کشف می‌داند، اما اگر ظواهر نقل با براهین مسلم عقلی ناسازگاری داشت، ظواهر شرع را به کناری می‌نهد، و ضمن آنکه معتقد است عرفان به مناطقی راه دارد که عقل از راه یافتن به آن وادی معذور است، یافته‌های سره عرفانی و عقلانی را قبول دارد و بر این باور است که نباید در فلسفه "کشف" را به جای "عقل" نشانند.

در مقابل، روش فلسفی علامه طباطبایی، مبتنی بر برداشت وجود‌شناسانه است، لذا ایشان فقط از روش عقلی در فلسفه استفاده می‌کند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که معرفت‌شناسی امام مبتنی بر انسان‌شناسی است و حال آنکه معرفت‌شناسی علامه طباطبایی مبتنی بر هستی‌شناسی است.

۲	دانشگاه قم
۲	موضوع:
۲	استاد راهنما:
۲	استاد مشاور:
۲	نگارنده:
۲	بهار ۱۳۸۷
۳	تقدیم به:
۴	تقدیر و سپاس
۵	چکیده
۱	مقدمه:
۱	طرح پژوهش
۲	۱. بیان مسئله
۲	۲. هدف‌ها و کاربرد
۲	۳. پرسش اصلی
۲	۴. پرسش‌های فرعی
۳	۵. فرضیه
۳	۶. روش
۳	۷. ضرورت
۴	۸. پیشینه
۵	۹. سازماندهی
۶	فصل اول:
۶	مفاهیم و کلیات
۷	روش
۷	مفهوم روش‌شناسی
۱۱	روش‌شناسی فلسفی
۱۲	روش‌شناسی ملاصدرا

۱۶	ملاصدرا.....
۲۰	حکمت متعالیه.....
۲۳	شارحان حکمت متعالیه.....
۲۳	۱- ملا محسن فیض کاشانی.....
۲۶	۲- ملا عبدالرزاق لاهیجی.....
۲۸	۳- آقا محمد بیدآبادی.....
۳۱	۴- ملاعلی نوری.....
۳۲	۵- ملا عبدالله مدرس زنوزی.....
۳۵	۶- حاج ملا هادی سبزواری.....
۳۹	۷- ملا علی زنوزی.....
۴۴	دوران معاصر.....
۴۵	امام خمینی و فلسفه.....
۵۲	علامه طباطبایی و فلسفه.....
۵۷	فصل دوم:.....
۵۷	روش‌شناسی فلسفی امام خمینی.....
۵۸	مقدمه.....
۵۸	۱. ژرفا و پیچیدگی اندیشه امام.....
۵۹	۲. حجاب معاصرت.....
۵۹	۳. دوگانگی یا چندگانگی بیان و گفتار امام.....
۶۰	۴. استثنا بودن شخصیت حضرت امام.....
۶۱	گفتار اول: نگاهی به مبانی معرفت‌شناختی امام خمینی.....
۶۱	۱- پیشینه شناخت.....
۶۱	۲- ارزش شناخت.....
۶۲	۳- امکان شناخت.....
۶۲	۴- تعریف شناخت.....
۶۳	۵- معیار شناخت.....

۶۴	۶- منابع شناخت
۶۷	۷- ابزار شناخت
۸۳	۸- موانع شناخت
۸۸	گفتار دوم: کاربردهای روش در آثار امام خمینی (ره)
۸۸	۱- روش امام خمینی در توصیف، گزارش و تبیین مطالب فلسفی
۹۱	۲- روش امام خمینی در تحلیل مباحث فلسفی
۹۲	۳- روش امام خمینی در تجویز مباحث فلسفی
۹۴	۴- روش استدلال عقلی امام خمینی در مباحث فلسفی
۱۰۰	۵- روش استدلال نقلی امام خمینی در مباحث فلسفی
۱۰۳	۶- روش استدلال شهودی امام خمینی در مباحث فلسفی
۱۰۴	۷- روش استدلال فلسفی امام خمینی در علم اصول
۱۰۶	جمع‌بندی
۱۰۸	فصل سوم:
۱۰۸	روش‌شناسی فلسفی علامه طباطبایی
۱۰۹	مقدمه
۱۱۱	گفتار اول: نگاهی به مبانی معرفت‌شناختی علامه طباطبایی
۱۱۱	مقدمه
۱۱۱	پیشینه شناخت
۱۱۲	ارزش شناخت
۱۱۳	امکان شناخت
۱۱۳	تعریف و ماهیت شناخت
۱۱۵	اقسام شناخت
۱۱۸	ابزار شناخت
۱۴۵	معیار شناخت
۱۴۵	ادراکات حقیقی
۱۴۹	ادراکات اعتباری

۱۵۱	شعور حقیقی انسان و ارتباطش با اشیا.....
۱۶۰	گفتار دوم: کاربردهای روش در آثار علامه طباطبایی.....
۱۶۰	۱- روش علامه طباطبایی در توصیف، گزارش و تبیین مباحث فلسفی.....
۱۶۱	۲- روش علامه طباطبایی در تحلیل مباحث فلسفی.....
۱۶۱	۳- روش علامه طباطبایی در تجویز مباحث فلسفی.....
۱۶۲	۴- روش استدلال عقلی علامه طباطبایی در مباحث فلسفی.....
۱۶۴	۵- روش استدلال نقلی علامه طباطبایی در مباحث فلسفی.....
۱۶۷ و ۶	۷- روش استدلال شهودی، اصولی و تجربی علامه طباطبایی در فلسفه.....
۱۶۸	جمع‌بندی.....
۱۶۹	فصل چهارم:.....
۱۶۹	مقایسه، تطبیق و نتیجه‌گیری.....
۱۷۰	برخی تمایزات کلی.....
۱۷۲	تمایزات عمده.....
۱۷۲	۱- تعریف فلسفه.....
۱۷۴	۲- توجه به انسان‌شناسی (معرفت نفس).....
۱۷۵	۳- توجه به پیشینه‌شناخت.....
۱۷۵	۴- توجه و عدم توجه به آرای فلاسفه غربی.....
۱۷۷	۵- تعریف و برداشت از عقل.....
۱۷۹	۶- تفاوت در روش.....
۱۶۹	چکیده انگلیسی.....
۱۸۱	منابع و مأخذ.....

مقدمه:

طرح پژوهش

۱. بیان مسئله

تولید دانش بدون توجه به روش، میسر نیست. دو تن از دانشمندان ما که در دوره معاصر نوآوری‌های فلسفی داشته‌اند، امام خمینی و علامه طباطبایی هستند. با توجه به مسائل جدیدی که در جامعه ما به وجود آمده و تأکیدی که برای تولید علم و نهضت نرم افزاری می‌باشد، پرداختن به روش‌های اندیشمندان به ویژه این دو اندیشمند جایگاه ویژه‌ای می‌یابد. ما در این رساله بنا داریم به روش‌شناسی فلسفی این دو متفکر بپردازیم.^۱

۲. هدف‌ها و کاربرد

هدف رساله حاضر تبیین روش فلسفی حضرت امام خمینی و حضرت علامه طباطبایی و ذکر تمایزات روشی این دو اندیشمند نوصدرایی می‌باشد. تسهیل فهمیدن و فهماندن فلسفه و کمک به تولید علم نیز از دیگر اهدافی هستند که این تحقیق آنها را دنبال می‌کند.

۳. پرسش اصلی

تمایزات روش فلسفی حضرت امام خمینی با علامه طباطبایی در چیست؟

۴. پرسش‌های فرعی

پرسش‌های فرعی مد نظر از این قرار خواهد بود:
آیا در اندیشه حضرت امام خمینی و علامه طباطبایی شناخت حقیقت ممکن است؟
حضرت امام خمینی و علامه طباطبایی روش کشف حقیقت را چه می‌دانند؟
جایگاه عقل در روش‌شناسی فلسفی حضرت امام خمینی و علامه طباطبایی چیست؟

۱ برای آشنایی با اصول و شیوه‌های تحقیق در آثار و اندیشه امام خمینی، ر.ک: عباس ایزدپناه، درآمدی بر مبانی آثار و اندیشه‌های امام خمینی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۵، ص ۵-۲۳.

جایگاه نقل (وحی) در روش‌شناسی فلسفی حضرت امام خمینی و علامه طباطبایی چیست؟

جایگاه شهود (عرفان) در روش‌شناسی فلسفی حضرت امام خمینی و علامه طباطبایی چیست؟

مبانی روش‌شناسی حضرت امام خمینی و علامه طباطبایی چیست؟

آیا در رویکرد فلسفی این دو اندیشمند با تکرر روشی یا پلورالیسم روشی مواجه هستیم یا با مونیسم روشی و یک روش؟

اختلاف مبانی فکری یا مبانی معرفتی حضرت امام خمینی و علامه طباطبایی در چیست؟ به عبارت دیگر تفاوت سیستم معرفتی امام خمینی با ساختار سیستم معرفتی علامه طباطبایی در چیست؟

ما به ارائه پاسخ برخی از این پرسش‌ها خواهیم پرداخت.

۵. فرضیه

فرضیه رساله حاضر این است که حضرت امام در محتوا و روش وفادار به ملاصدر است، اما علامه طباطبایی در روش تابع ابن سینا و حکمت مشاء و از لحاظ محتوا پای‌بند حکمت متعالیه و ملاصدرا می‌باشد.

۶. روش

برای نگارش این نوشته پس از مشورت و مشاوره با اساتید محترم و تعیین سرفصل‌ها و چارچوب کلی رساله، به مطالعه و بررسی آثار امام خمینی و علامه طباطبایی پرداخته شده، بعد از مطالعه و در واقع استقرای مطالب هماهنگ با موضوع رساله و فصول پیشنهادی اساتید، مباحث به شیوه‌ای توصیفی - تحلیلی ارائه شده است.

۷. ضرورت

تحقیقات روش‌شناسی، تحقیقاتی بنیادین است که می‌تواند به جنبش تولید علم در کشور ما مدد برساند. با توجه به این مهم، که مبانی فکری هر جامعه بر اصولی فلسفی استوار است، شناخت و درک این دانش و واکاوی نظریات اندیشمندان این عرصه به

تنهایی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. از سویی برخی از اندیشمندان با اینکه محتوای فلسفه اسلامی را پربارتر از فلسفه غرب می‌دانند، از نظر روش‌شناسی فلسفه غرب را برتر از فلسفه اسلامی معرفی می‌کنند.^۱ بنابراین ارائه اصول روش‌شناختی فلسفه در تمدن اسلامی و شناسایی روش‌های اندیشمندان این حوزه مهم فکری بسیار ضروری است.

۸. پیشنهاد

یکی از مباحث مهم در حوزه فلسفه مباحث روش‌شناسی است. با همه اهمیت‌ها که مباحث روش‌شناسی در فهمیدن و فهماندن و پیش برد دانش‌ها و نهضت تولید علم دارد اما به نظر می‌رسد در جامعه ما توجه کافی به این مسئله نشده است. البته در دیگر رشته‌ها مثل جامعه‌شناسی و علوم سیاسی^۲ آثاری در این باره موجود است، اما لازم به

۱. مهدی حائری، جستارهای فلسفی (مجموعه مقالات)، به کوشش عبدالله نصری، چاپ نخست، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۴، ص ۳۹۵.
۲. ر.ک: داوود فیرحی و دیگران، روش‌شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی، چاپ نخست، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷؛ علی‌اکبر علیخانی و دیگران، روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۸۶؛ نگارنده گزارشی از این کتاب ارائه نموده است، ر.ک: رضا لک‌زایی، پگاه حوزه، شماره ۲۳۱، ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۸۷، ص ۲۰-۲۵؛ سید صادق حقیقت، روش‌شناسی در علوم سیاسی، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۵؛ محمد باوری، «تأملی در روش‌شناسی مطالعه اندیشه سیاسی امام خمینی»، فصلنامه مصباح، سال یازدهم، شماره ۴۱، ص ۶-۳۲؛ به نقل از نرم افزار نمایه؛ فصلنامه علوم سیاسی شماره ۷، پاییز ۱۳۷۸؛ شماره ۸، زمستان ۱۳۷۸؛ شماره ۹، بهار ۱۳۷۹؛ شماره ۱۴، تابستان ۱۳۸۰؛ شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۰؛ شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۲؛ شماره ۲۲، تابستان ۱۳۸۲؛ شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۳؛ شماره ۳۰، تابستان ۱۳۸۴؛ داوود فیرحی، روش‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی، قم: معاونت آموزش مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴؛ همو، روش‌شناسی اندیشه امام خمینی، قم: معاونت آموزش مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴؛ این دو نوشته در واقع حاصل تدریس ایشان در مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام در قم در سال‌های ۸۰-۸۱ و ۸۲-۸۳ می‌باشد. در مقاله «روش‌شناسی اندیشه امام خمینی» به دو بحث اشاره شده، ابتدا به دلائل اهمیت روش‌شناسی افکار امام و سپس به دیدگاه‌های موجود در تحلیل اندیشه سیاسی امام. در مقاله «روش‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی» که در واقع تفصیل روش‌شناسی اندیشه امام است،

ذکر است که نگارنده پیرامون روش‌شناسی فلسفی، مطالبی رصد کرده است،^۱ اما راجع به روش‌شناسی فلسفی حضرت امام خمینی و علامه طباطبایی، از کاری در این زمینه و با این عنوان مطلع نشده است. لذا در این رساله سعی شده به روش‌شناسی فلسفی دو تن از اندیشمندان به نام اسلامی را که تا کنون از این منظر کاوش نشده‌اند، مورد بررسی قرار گیرد.

۹. سازماندهی

در رساله حاضر پس از مقدمه در فصل اول به مفاهیم و کلیات، در فصل دوم به تبیین شناخت‌شناسی و روش فلسفی حضرت امام خمینی، در فصل سوم به تبیین روش فلسفی حضرت علامه طباطبایی و در فصل چهارم به تمایزات روشی این دو اندیشمند نوصدرایی پرداخته شده در پایان هم منابع و مآخذ ذکر شده است.

هشت جلسه درس ایشان در این مؤسسه می‌باشد. در این نوشته به مطالبی چون اهمیت روش‌شناسی در تحلیل اندیشه‌های سیاسی، ماهیت اندیشه‌های اسلامی و بررسی چگونگی تحول در اندیشه یک متفکر و ... مطرح شده است. آقای دکتر محمدرضا ارشادی‌نیا هم در فصل اول کتاب تأثیر مبانی فلسفی در تفسیر متون دینی از دیدگاه امام خمینی، به روش‌شناسی اندیشه امام خمینی پرداخته‌اند. ر.ک: محمدرضا ارشادی‌نیا، تأثیر مبانی فلسفی در تفسیر متون دینی از دیدگاه امام خمینی، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۴.

۱. ر.ک: احمد ابوترابی، روش‌شناسی حکمت متعالیه، باشگاه اندیشه، ۱۳۸۶؛ رسول نادری و حمید خدابخشیان، «روش‌شناسی فلسفه اسلامی»، فصلنامه معرفت فلسفی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، سال پنجم، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۶، ص ۶۵-۱۱۹؛ رحمت‌الله رضایی، «روش‌شناسی حکمت اشراق و اعتبار معرفت‌شناختی آن»، همان، ص ۲۷-۶۵؛ عباس خسروی، «روش‌شناسی حکمت اشراق و حکمت متعالیه»، نشریه حوزه، قم: سال ۱۳۷۸، ص ۷-۴۲؛ احمد عابدی، روش‌شناسی فلسفه و عرفان، قم: معاونت آموزش مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. وی علاوه بر این، در دو مقاله با عنوان «آرای فلسفی امام خمینی» و «احیای میراث فلسفی امام خمینی» به کنکاش، راجع به تأملات فلسفی حضرت امام خمینی پرداخته‌اند. در این باره نک: احمد عابدی، دفتر عقل و قلب؛ پرتوی از اندیشه‌های عرفانی و فلسفی امام خمینی، احمد عابدی، قم: زائر، ۱۳۸۴.

فصل اول:

مفاهیم و کلیات

روش

لاتین واژه روش، «متد» است که از واژه یونانی «متا»^۱ به معنای «در طول» و «اودوس»^۲ به معنای «راه»، گرفته شده، و مفهوم آن «در پیش گرفتن راهی» برای رسیدن به هدف و مقصودی با نظم و توالی خاص است.^۳

«متد» در لغت به معنی روش، سبک، اسلوب و طریقه نیز آمده است.^۴ اما مقصود از متد یا روش در معنی اصطلاحی، مجموع وسایلی است که وصول به غایت و هدفی را آسان سازد.^۵ همچنین در تعریف این واژه گفته‌اند: متد یا طریقه عبارت است از روش واضح و مستقیم، که از طریق توجه صحیح در آن می‌توان به هدف معینی دست یافت.^۶ در جمع‌بندی تعاریف بالا می‌توان گفت «روش یعنی راهی که توسط اندیشمندی یا هر کس دیگری برای رسیدن به هدف پیموده می‌شود.»

مفهوم روش شناسی

متدولوژی از دو واژه metod به معنی روش و logy به معنی شناخت تشکیل شده است. لذا متدولوژی را می‌توان به «روش‌شناسی» ترجمه کرد. در فرهنگ فارسی دکتر معین اصطلاح متدولوژی چنین تعریف شده است: «متدولوژی بخشی از منطق است که درباره روشهای مختلف معرفت و علوم تحقیق می‌کند.»^۷

۱. meta

۲. odos

۳. سید علی اصغر کاظمی، روش و بینش در سیاست، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴، ص ۲۸-۲۹،

همچنین نک: سید صادق حقیقت، روش شناسی علوم سیاسی، پیشین، ص ۳۱-۴۱.

۴. لغتنامه دهخدا، ج ۴۳؛ فرهنگ معین ج ۴، ص ۲۷۳.

۵. فرهنگ معین، ص ۲۷۶.

۶. جمیل صلیبا، فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی، ۱۳۶۶، انتشارات حکمت، ص ۴۴۵.

۷. فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۳۸۰.

همچنین در تعریف متدولوژی گفته‌اند: «متدولوژی عبارت است از شناخت روش‌های علوم که از آن به روش‌شناسی نیز تعبیر می‌کنند و منظور از آن دانشی است که درباره روش‌های مناسب تحقیق و اثبات علوم مختلف به بحث و تحقیق می‌پردازد.»^۱ در کتاب فرهنگ فلسفی متدولوژی چنین تعریف شده است: «متدولوژی یا روش تحقیق یا روش‌شناسی، یکی از شعبه‌های علم منطقی است که به تحقیق در روش‌های عام مثل تحلیل، ترکیب، استقرا، استنتاج، شهود، استدلال و امثال آن، همچنین تحقیق در روش خاص هر کدام از علوم مانند روش علوم ریاضی، روش علوم تجربی، روش علوم اجتماعی و غیره می‌پردازد.»^۲

«هیچ دانشی بدون روش ممکن نیست، زیرا دانشمند به هنگام حرکت فکری به سوی مجهولات، راهی را طی می‌کند که همان روش اوست، پس روش با دانش همزاد است و اما روش‌شناسی به عنوان یک دانش جدید، متأخر از روش است، ارسطو اولین شخصی است که روش‌شناسی نوع نخستین را به صورت یک دانش مدون درآورد. روش‌شناسی ارسطو روش‌شناسی عام برای مطلق تفکر و اندیشه است. او کوشیده است تا شیوه‌های مختلف فکر را اعم از برهان، شعر، خطابه، جدل و مغالطه شناسایی نماید. روش‌شناسی ارسطو به رغم آن که به منطق صوری مشهور است به مقدار زیادی به احکام مواد اندیشه پرداخته است.»^۳

انسان‌ها در یک جامعه از نظر تولید، توزیع و مصرف فکر سه دسته هستند:

- ۱- گروه اندکی تولید اندیشه می‌کنند.
- ۲- گروهی دیگر آگاهانه یا ناآگاهانه مصرف کننده اندیشه هستند.
- ۳- گروهی نیز نه مصرف کننده صرف هستند و نه تولید کننده محض؛ بلکه به مثابه فیلتر هستند. این دسته با یک سؤال اساسی روبه رو هستند و آن اینکه چگونه می‌توان مستقل از یک متفکر و در غیاب او، اندیشه‌هایش را توضیح داد؟ لذا باید قواعد اصولی و چهارچوب‌هایی را پیدا کنند، تا بتوانند اندیشه‌های یک اندیشمند را مورد ارزیابی قرار

۱. فلسفه علوم، علی اکبر ترابی، انتشارات، چهر تبریز، ۱۳۵۷، ص ۴۱.

۲. فرهنگ فلسفی، جمیل صلیبا، ص ۱۴۶.

۳. فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۳.

دهند و این مستلزم یک «روش» است. بنابراین، کار «روش شناسی» یا «متدولوژی» طراحی الگویی برای ورود به عالم اندیشه یک اندیشمند به منظور توضیح افکار اوست.^۱

روش شناسی غیر از روش و یک علم درجه دوم،^۲ ابزاری و غیر مستقل است؛ مثل منطق برای فلسفه و «روش، مسیری است که دانشمند در سلوک علمی خود طی می کند، و روش شناسی دانش دیگری است که به شناخت آن مسیر می پردازد.»^۳

برخی روش شناسی را این چنین معنا کرده اند:

روش شناسی سه اصطلاح دارد:

۱- معنای مشهور آن سنجش و نقد روش ها و ارزیابی محدودیت ها و کارایی های آنهاست؛

۲- گاهی روش شناسی گفته و خود روش^۴ اراده می شود؛ مثلاً می گویند روش شناسی ما در این بحث چنین و چنان است.

۳- زمانی روش شناسی به مجموعه روش ها اطلاق می گردد. پسوند Logy گاهی به معنای «شناسی» است، مثل فیزیولوژی و گاهی به معنای مجموعه؛ مثلاً Symbology به معنی «مجموعه نمادها».

برای محقق، متد و روش مهم است، نه متدولوژی به معنای مشهور. محقق از آن جهت که محقق است با مباحث درجه اول^۵ سروکار دارد، البته منافاتی ندارد که او از حیثیتی دیگر به روش شناسی نیز بپردازد.

۱. روش شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی، داوود فیروزی، تهیه و تنظیم: معاونت آموزش مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، دفتر قم، بهار ۸۴ ص ۲.

۲. هر علمی که موضوعش واقعیت باشد، درجه اول است و هر علمی که موضوعش رشته علمی باشد، درجه دوم است. (مصاحبه دکتر ملکیان، علوم سیاسی شماره ۱۴).

۳. نشست روش شناسی اندیشه سیاسی اسلام، دکتر داود فیروزی، قسمت اول جلسات ۱۵ تا ۱۰، پژوهشگاه اندیشه سیاسی اسلام، قم، دفتر پژوهش، ۱۳۸۰.

۴. Critic

۵. Method

۶. First Order

تا کنون چندین تقسیم بندی برای روش های مختلف ذکر شده است؛ تقسیم اولیه روش، عبارت است از روش عقلی، تجربی، نقلی، شهودی و تاریخی. مراد از نقل، در اینجا تعبدی است، مثل روش علم فقه. در تقسیم دوم روش تحقیق به دو قسم کلی تقسیم می شود: توصیفی^۱ به معنای اعم و هنجاری.^۲ قضایای توصیفی به معنای اعم و در مقابل قضایای هنجاری، قرار دارند.

روش توصیفی به معنای اعم خود به سه قسمت تقسیم می شود:

۱- گزارش یا توصیف به معنای اخص: یعنی مجموعه آرا و نظریات یا نظریه فلان متفکر، که موضوع محور و یا متفکر محور است. خود گزارش یا توصیف به دو قسم تقسیم می شود:

توصیف مشاهداتی؛ که به مرحله تبیین و تعلیل نمی رسد و صرفاً مشاهدات را گزارش می دهد و توصیف تعلیلی؛^۳ که به آن تبیین هم گفته می شود. در آنجا که می خواهیم تبیین به شکل کلی صحیح است، بحث استدلال پیش می آید. استدلال عقیده را به علم (معرفت) تبدیل می کند. علم یعنی عقیده صادق مستدل. پس روش استدلال نمی تواند روش معرفت هم باشد، و بنابراین می توان گفت روش های استدلال هم عبارت است از: عقلی، تجربی، نقلی، شهودی و تاریخی. استقرا مربوط به روشهای تجربی و قیاس مربوط به روش های عقلی است.

باید توجه داشت که توصیف و تبیین مفاهیمی اضافی اند، چرا که هر تبیینی نسبت به تبیین فراتر از خود، نوعی توصیف است. گزاره آب در صد درجه به جوش می آید توصیف است. سؤال می شود، چرا؟ پاسخ این است که جنبش مولکولی آب زیاد می شود. این گزاره تبیین است. اگر راجع به آن دوباره سؤال شد، این گزاره توصیف برای تبیین بعدی می شود.

۱. Descriptive

۲. Normative

۳. Causal Description

۴. Explanation